نگرشى بر احكام بدعت(2)

محمد باقر شريعتى سبزوارى

در شماره پيش درباره بدعت مطالبى نوشته شد و گفتيم كه بدعت يكى از گـنـاهـان بزرگ است, زيرا باعث محو تدريجى احكام دين و ظهور يـك سـلـسله مسائل جديد به نام مذهب مى گردد. از اين رو اولياى ديـن با بدعت و بدعت گذاران به شدت برخورد مى كردند, زيرا بدعت گـران بـه مـراتب از حكومت هاى جبار براى دين خدا خطرناك ترند. آنـان بـا تـرفند و تقدس مآبى و احيانا دفاع از اسلام ناب, مذهب را تـغـيـير مى دهند; مستحبات را حرام و محرمات را واجب قلمداد مـى كـنـنـد. امام راحل(ره) مى فرمود: اگر بدعت ها در دين ظاهر شـود, بر علما است كه دانش خود را آشكار كنند و نگذارند فريب و نـيـرنـگ هـا و دروغ هـاى بدعت گذاران در دين و مردم اثر كند و باعث انحراف شود.)1

ائـمـه دين در برابر بدعت گذاران به طور شديد و روشن موضع گيرى مـى كـردنـد. شيخ طوسى در كتاب (اختيار الرجال) حديثى نقل كرده اسـت كـه: روزى امام صادق(ع) چند درهم به يكى از اصحابش داد تا سـلاحـى بـراى كـشتن يك عالم بدعت گذار تهيه كند. او نخست چاقوى دولـبى تهيه كرد. حضرت فرمود: اين آلت قتاله مناسب نيست. صحابى رفـت و ساطورى تهيه كرد. امام پسنديد و فرمود: وقتى به گردن او زدى, اسلحه را به گوشه اى بينداز و او چنين كرد.2

روايـات فـراوانـى در لزوم پيكار با بدعت گذاران رسيده است; از جـمله پيامبر اكرم(ص) مى فرمايد: (تهديد و برخورد خشمگينانه با بـدعت گر باعث آكنده شدن قلب انسان از ايمان, يقين و رضاى الهى مـى شود).3 و از سوى ديگر (لب خند زدن به روى بدعت گر در حقيقت كـمـك به تخريب دين و ايمان است),4 چرا كه (هيچ عامل ويران گرى بـراى ديـن مـثـل بـدعـت نيست)5 و (اهل بدعت هم چون سگ هاى آتش اند).6

نوآورى در تمام امور اجتماعى مستحسن و مطلوب است جز در مذهب كه بـدترين چيزها است. اشتباه نشود, برداشت و كشف جديد از عقايد و احـكـام و مـوازين اخلاق و شيوه تربيت اسلامى و تطبيق مسائل جديد بـا قـواعد فقهى از مصاديق بارز ((حوادث تازه) و از نوع اجتهاد پـويـا و زنـده اسـت. نقش عنصر زمان, مكان و پديده هاى تازه در اجتهاد جواهرى به همين معنا است.

بدعت و احكام خمسه

بدعت, مفهوم وسيعى دارد كه گذشته از فراگيرى احكام پنج گانه در بـعـد احـكام شامل اخلاق, سياست و اقتصاد نيز مى شود. افزودن بر مـسـتحبات, تقليل واجبات, تكثير محرمات و مكروهات در بعد احكام و همچنين در اصول عقايد و اخلاق اسلامى بدعت محسوب مى گردد. امام صـادق(ع) فـرمود: (من دعا الناس الى نفسه وفيهم من هو اعلم منه فهو مبتدع ضال7; هركسى مردم را در مورد معرفت دينى و شناخت حلال و حـرام به خويش دعوت كند در صورتى كه در بين مردم كسانى از وى دانـاتـر و اعـلـم باشند, بى گمان چنين فردى از بدعت گذاران گم راه خواهد بود.)

آنان كه بدون مجوز شرعى بر مسند ارشاد و دست گيرى تكيه مى زنند و مـعـتقد به قطب و شيخ طريقت مى باشند, بدعت گذارند. كسانى كه بـا عـنـوان صوفى و درويش برخلاف راه فقها قدم برمى دارند, پيرو بدعت گران هستند.

افـرادى كه بدون دليل فقاهتى و اجتهادى مى گويند: (اسلام, احكام حـكومتى ندارد) و يا معتقدند دين فقط براى تامين حوايج معنوى و اخـروى انـسان است و دنيا را خود بشر بايد بسازد, يك باور بدعت آمـيـز را مـطرح مى كنند, زيرا حكومت را از پيكره دين جدا كرده اند.

فيلسوف شهيد, مرتضى مطهرى بعد از آن كه بدعت را معنا مى كند به ايـن بـيـان كـه: (كـسى در دين خدا چيزى را وارد كند كه از دين نـيـسـت, از پـيش خود چيزى را جعل كند كه مربوط به دين نيست),8 تـاكيد مى كند كه همه وظيفه دارند با بدعت مبارزه كنند. آن گاه مـى گويد: صلوات فرستادن, همه وقت خوب است,... اما اگر شما فكر كـنـيـد كه در اسلام يك چنين سنتى هست كه در وسط حرف گوينده[ يا پـس از روشـن شـدن چـراغ هـا] صلوات بفرستيد و به عنوان يك امر اسلامى اين كار را بكنيد,[ صحيح نيست; بلكه] بدعت است.)9

شهيد مطهرى(ره) در ادامه مى گويد: (خيلى چيزها هست كه بدعت است و در مـيـان مـردم مـخصوصا خانم ها از اين بدعت ها است; مثل آش ابـودردا, آش بـى بـى سـه شـنـبه, سفره حضرت ابوالفضل. ما چنين چـيـزهـايـى در اسلام نداريم[ ...البته اگر] يك كار خيرى بكنيد; مـثـلا فـقرا را اطعام كنيد, ثواب دارد, بعد ثوابش را نثار حضرت رسـول كـنـيـد, نـثـار... يـكـى از امـوات خودتان بكنيد, مانعى ندارد.)10

نمونه هايى از بدعت

براى آشنايى بيش تر با انواع بدعت ها, نمونه هايى از آن ذكرمى شود:

1. اعـتقاد اشاعره به رويت ذات اقدس الهى در قيامت كه برخلاف نص كـتـاب و سـنت است, عقيده به ازليت صفات ذات بيرون از (ذات) كه جـمـعـى از اهـل حديث معتقدند, اعتقاد به جبر و تفويض در افعال انـسـان هـا كـه اشاعره و معتزله به آن پاى بند هستند, همگى از بدعت هاى اعتقادى محسوب مى شود.

2. تـحـريـم ازدواج مـوقت (متعه) براى هميشه از بدعت هاى احكام است.

3. خـواندن دو ركعت نماز به نيت زيارت در امام زادگان (جز حضرت معصومه و غيره) يك امر بدعت آميز است, ولى دو ركعت نماز مستحبى خـوانـدن و به روح امام زاده و يا ديگر مردگان هديه دادن مانعى ندارد.

4. عقيده به اين كه عطسه در اسلام نشانه صبر, يا عدد سيزده دليل بر نحوست و يا خواندن مرغ و جغد, شوم است, بدعت مى باشد.

5. نـماز امام زمان(عج) به قصد اين كه مخصوص اعمال مسجد جمكران است نه مساجد ديگر, بدعت است.

6. سـه مـرتـبـه آب به نيت وضو ريختن و هر مرتبه دست كشيدن, با رسوم آن بدعت است.

امام امت(ره) مى فرمايد: (اكتفا كردن به يك مشت آب براى صورت و مـشـتـى ديـگر براى دست راست و يك غرفه براى دست چپ از ضروريات فـقـه است, ولى سه دفعه آب ريختن به طورى كه در هر دفعه صورت و دسـت راسـت و دسـت چـپ را آب فرا بگيرد, بلااشكال بدعت و حرام و مبطل وضو است.)11

7. دسـت بـسته نماز خواندن, گفتن آمين بعد از ولاالضالين و شستن پا به جاى مسح, بدعت هستند, چون برخلاف نص قرآن است.12

8. عقيده به اين كه انتقام گرفتن در هنگام غضب و به گونه مطلق, مـطـلوب شارع مى باشد چون برخلاف نص قرآن و سنت است, بدعت اخلاقى محسوب مى شود.

مـراجـع تقليد در صورتى كه نتوانند حرمت و يا كراهت چيزى را از طـريـق قـواعـد اسـتنباط استخراج نمايند براى اين كه در پرتگاه بـدعـت قـرار نگيرند, در فعل و يا ترك (احتياط واجب) كرده و در فـتـوا دادن مـتـوقـف مـى شوند. به همين جهت (اشهد ان عليا ولى الـلـه) را جـزء اذان نـمى دانند و فقط به عنوان تبرك و به قصد كسب ثواب جايز مى شمارند.13

پى نوشت ها:

1ـ صحيفه نور, ج3, ص69.

2ـ شيخ طوسى, اختيار الرجال, ص524, حديث1006.

3ـ بحارالانوار, ج78, ص92.

4ـ ميزان الحكمه, ج1, ماده (بدع), ص382.

5 ـ قال على(ع): (ماهدم الدين مثل البدع); ميزان الحكمه, همان, ص380.

6 ـ قال رسول الله(ص): (اهل البدع كلاب اهل النار); همان, ص381.

7ـ تحف العقول, ص375.

8 ـ آشنايى با قرآن, ج4, ص42.

9ـ همان, ص43.

10ـ همان, ص43 و44.

11ـ چهل حديث, ص402.

12ـ (وامـسحوا بروسكم و ارجلكم الى الكعبين); آيه صراحت در مسح سر و پاها دارد, ولى اكثر برادران اهل سنت پاها را مى شويند.

13ـ بـراى آگـاهى بيش تر به رساله توضيح المسائل مراجع تقليد ـ دامت بركاتهم ـ مراجعه فرماييد.